

# میراث گوینو

## قسمت دوم

باید دانست که در کتابی که بزبان آلمانی با اسم «منابع و تحقیقات درباره زندگانی گوینو» در دو جلد در سنه ۱۹۱۴ بقلم شمان ۱ انتشار یافته است در باره یکی از نامه های ششگانه (نامه از بغداد) بهاءالله بکنت دو گوینو ۴ چنین میخوانیم :

این نامه در اوایل ناستان ۱۸۶۸ بدست گوینو رسید و گوینو برای رساندن کمکی به بایها مشغول اقداماتی گردید بخصوص که بموجب نامه ای که در همان اوان در ۱۸ نوامبر ۱۷۶۸ بسفیر اطریش دراستانبول موسوم به پروکش ۴ نوشته است میترسیده است مطالبی که در کتابش در باره مذهب باب نوشته است بیشتر اسباب زحمت آنها از جانب حکومت ایران شده باشد .... در همان اوان گزارشی از نایب قونسول فرانسه در حیفا به گوینو رسید که در پرونده میراث گوینو ضبط است و گوینو در ضمن نامه های خود به پروکش مینویسد :

«باب در عکا در زندان است و زندانش سر بازخانه است و خودباب و قسمتی از کسانش از زن و مرد و بچه در آنجا زندانی هستند و از بی آبی میمیرند و پاسبانها بکلی آنها را غارت و لخت کرده اند و عده ای از مؤمنین باب را بجزیره قبرس فرستاده اند و حال آنها هم بهتر از حال دیگران که در عکا هستند نیست. فؤاد پادشاهما گفته است که رفتار تر کها در حق این اشخاص ربطی با پول و توطئه سفارت ایران ندارد و من هم حاضرم قبول کنم ولی پس این خشونت تر کها بکلی بی علت است و هیچ بهانه ای برای آنها باقی نمی ماند . در باب سووئنی که دارند و میگویند بایها میخوانند مسیحی بشوند این حرف هم بکلی بی معنی و خنده دار است ، آدمی که خودش را خدا می خواند و کسانی که خود را اصحاب خدا میدانند و جلاء وطن کرده اند و آن همه بلا و مصیبت را در راه عقیده خود متحمل شده اند هرگز دین دیگری را نخواهند پذیرفت .

در نامه دیگری مورخ به ۳۱ اوت ۱۸۶۸ باز مینویسد :

«اما مبلغین مسیحی اگر تصور میکنند که میتوانند در میان طرفداران باشند و وحدت این دین جدید کاری از پیش ببرند حقم خود را با ثبات میرسانند» .

(1) G. Schemann : « Quellen und Untersuchungen Zum Leben Gobineaus », 2 Bd. , Stsassburg . Verlag , von Karly , Trübner , 1414 .

(۲) مراجعه شود به مجله «دیفا» شماره هفتم آبان ۱۳۳۹ ، صفحه ۴۰۴ مقاله مکتوبات

در نامه های دیگر خود کوبینو مشکل باینها را از لحاظ سیاست مطرح مینمایند و می گویند در نفع و صلاح باب عالی است که ازین ایرانیان بسیاری که از ایران زانده شده اند و در بغداد و در حدود وان اقامت گزیده اند نگاهداری نماید نه اینکه بی جهت آنها را اذیت و آزار بدهد بطوریکه وقتی از حمایت ترکیه مأیوس شوند دست توسل بدامان روسها دراز نمایند .

از قرار معلوم اقدامات کوبینو و پروکش درباره باینها بی نتیجه نمانده بوده است چنانکه در نامه ای که پروکش در تاریخ ۱۰ ژانویه ۱۸۶۶ به کوبینو نوشته است میخوانیم : « علی پاشا با احترام زیاد از باب که در ادرنه توقیف است صحبت داشت و گفت مرد محترمی است و بسیار با اخلاق است و از لحاظ اعتدال عقاید و رفتار شایسته هر نوع احترامی است . میگفت بایگری طریقه است که می خواهد پارامی عقاید سخیف و باطیلبی را که مذهب اسلام از مذاهب یهود و عیسویت گرفته است از میان بردارد که از آن جمله است نبرد بین خدای قادر متعال و اصول شرارت و بدخواهی و بی نتیجه ماندن چنین نبردی و همچنین کیفر و قصاص ابدی و غیره و غیره . چیزی که هست علی پاشا از لحاظ سیاست معتقد است که چون بایها خلافت را قبول دارند و طرفدار امامتند و عثمانیها طرفدار نمیز و تشخیص بین قوه روحانی و قوه جسمانی هستند باید از ترویج مذهب آنها چه در ایران و چه در ترک کیه جلو گیری نمود . »

\*\*\*

### (سند دوم)

دو سند نمرة ۱۳۸ ۱۳۹ از امیرات کوبینو عبارت است از دو نامه خطاب به کوبینو که اولی جنبه رسمی و دومی جنبه شخصی و دوستانه دارد و ظاهراً مربوط است به میرزا محمد علی پسر میرزا حسینعلی بهاءالله و برادر عباس افندی عبدالبهاء (هرچند این مسئله محتاج تحقیق بیشتری است که برای راقم این سطور در ژنو کار آسانی نیست) .

### نامه اول

(در ظهر) خدمت ذی بجهت جناب جلالتمآب وزیر مکرم و مشیر مفخم وزیر مختار دولت بهیه فرانسه دام اجاله مشرف باد

(در ظهر و در پائین صفحه) مهر : عبده سید محمد ابن حسن الحسنی الحسینی  
خدمت جناب جلالتمآب وزیر مکرم و مشیر مفخم معظم دولت فرانسه لازال محفوظاً محروساً زحمت افزا میگردد . مراسله مودت مواصله که در عشر آخر شهر صفر مرقوم کلک ملاطفت پرور گردیده بود در اسعداوان عزورود بحشید از سلامت مزاج کثیرالابتهاج و افزونی جلال و مجدت آن فرخنده ذات کمال مسرت و بهجت حاصل آمده معلوم است محض ملاطفت است که این ضعیف خلوص آیت را متذکر خاطر مهر مظهر میدارد که گاه گاه بیاد آوری و ارسال مراسیل شوقمند مهجور را قرین سرور و حبور میفرمائید چنانکه از آن جانب زافر جوانب این شیوه مرضیه مستمر و برقرار است ازین سونیز قانون خلوص محکم و استوار و امیدوار است که این قاعده از دوسو همیشه مستحکم و پایدار باشد .  
در باب منسوبان و متعلقان جناب شفیق مکرم و صدیق محترم حاجی میرزا محمدعلی سفارش و اظهار فرموده بودید این خود ظاهر و آشکار است که جناب مشارالیه قدیم تا کنون از دوستان و اصدقای این خلوص بنیان بوده هستند و در هر باب بقدر امکان در همراهی امور متعلقه بایشان خوددار نبوده ام خاصه در این اوقات که دست ارادت بان حضرت آسمان رتبت زده اند که مزید خوشوقتی و خرسندی

مهبور کشته. البته در هر امر که متعلق بایشان است از اینجانب کمال مراقبت و جانب داری خواهد شد و ایشان هم در کمال آسایش و اطمینان در ملزومات خلوص و هواخواهی آنحضرت خواهد کوشید و از اینجانب رأفت جوانب هم نسبت بایشان کمال ملاطفت و توجه بظهور خواهد رسید و سبب تذکار و تکرار مراتب یگانگی و الفت جانین خواهد بود. متوقع است در یادآوری ضعیفان مهبور همیشه طالبان مزید شوکت و جلالت را قرین سرور و حبور فرمایند. مجدت و نجدت و جلالت مستدام باد

(این قسمت در حاشیه بخط دیگری افزوده شده است) کتاب مرسولی در علم اخلاق رسید. الحق در قوانین تہذیب اخلاق و علم سلوک از همه کتب ممتاز و یگانه و طاق است همیشه در مدنظر است و از فقراتش جان و دل بهره و در مراتب نفقد و لطف آنجانب را بهترین مظهر و از همه تحفها بهتر.

### نامہ دوم

(با همان آدرس و همان مهر نامہ اول)

... از اینکه جناب مستطاب قدسی القاب کمالات اکتساب صدیق مکرم و شفیق محترم حاجی میرزا محمد علی دام بقائه چنگ خلوص عقیدت بعروة الوتقای ارادت آن حضرت زده اند بسیار سرور و مشغوف انصافاً آنچنان حضرتی را همچنین ذی سعادتى باید که بصنوف کمالات آراسته و از جمیع نقایس پیراسته باشد چنانکه در نوشته جداگانه مراتب الثقات و تفقداتی که از آن سرکار که نسبت بایشان آشکار میشود اظهار داشته بودید امیدوار است که روز بروز فزون از شماره باشد. بجز بقای شوکت و جلالت آنجانب شوکت نصاب مقصودی نیست. مجدت و نجدت و جلالت و ملاطفت پاینده باد.

(بخط دیگری در حاشیه) کتاب حکمت که از رموز حکمت و محض دانش تصنیف شد بودو با کرام مهبور یاد بود شده بود رسید و از مطالعه اش حظها کرده لذتها بردم معلوم است از آن معدن بینش چه تراش میکند. زیاده زحمت است ایام شوکت بردوام باد.

### (سند سوم)

از جمله اسنادی که در میراث گوینو در کتابخانه شهر استراسبورگ ضبط و موجود است و بلکه یکی از مهمترین آن اسناد، سندی است که در بالای آن این عبارت نوشته شده است: «**مطالبی که باید جناب غراف قوینو در پارلیمن باولیای دولت فرانسه اظهار بدارد**» و چنان معلوم میگردد که از طرف دولت ایران در موقعی که گوینو عازم مسافرت بفرانسه بوده است برسم پادداشت و تذکرنامه باو داده شده و لابد مجرمانه بوده است.

مطالب دولت ایران عبارت است از چهار فقره بقرار ذیل (با مراعات املاى اصلی سند):

### اولاً

« صاحبمنصبانی که اعلیحضرت امپراطوری<sup>۱</sup> از برای تربیت قشون ایران معین کرده اند لازم است که بآن صاحبمنصبها بتأکید تمام سیرده شود که قشون ایران را طوری تربیت نمایند و از قشون جنگ مطلع نمایند که مثل قشون فرانسه باشند که اگر بکوفتی ضرورتی داعی شود قشون ایران بتواند در مشرق زمین همراهی با فرانسه نماید.»

### ثانیاً

« قونسول فرانسه هر قدر زودتر ممکن شود از برای اقامت بوشهر معین گردد که در مقابل قونسول انگلیس باشد. هم بکار تجارت فرانسه بیاید و هم از حالت قونسول انگلیس مقیم بوشهر مستحضر گردد.»

## ثالثاً

« فیما بین دولت ایران و دولت عثمانی یازده مطالب دولتی میباشد که در عهده تعویق است از اولیای دولت فرانسه خواهش دارم که باینلیجهای خودشان مقیم اسلامبول مأموریت بدهند وقتی که جناب امین‌الملک فرخ خان وارد اسلامبول میشود ۱ درباب کارهای دولتی مذاکره می‌کند تقویت از امین‌الملک نمایند که مطالب حسابی دولت ایران پیشرفت بهم برساند و اختلافاتی که فیما بین ایران و عثمانی است سعی فرانسé رفع شود.»

## رابعاً

« چون دولت انگلیس میزان رفتار و حرکت خویش را از روی رفتار دولت روس در ایران قرار داده است و دولت روس هم در ایران رجوعات زیاد دارد و می‌تواند هر روزی يك بهانه از برای ایران بگیرد از اولیای دولت فرانسه خواهش می‌شود که بهر قسم و از هر راه صلاح دانند با اولیای دولت روسیه حالی نمایند که دولت ایران دوست دولت فرانسه است روسها هم با ایران خوش سلوکی نمایند مأمورین روس بهانه جوئی نمایند بدوستی با دولت ایران رفتار نمایند دولت ایران را تقویت کنند این سفارش زیاد بکار دولت ایران خواهد آمد.»

این سند تاریخ و امضائی ندارد و اساساً باید دانست چنانکه از اسناد رسمی که در میراث گوینو موجود است استنباط میشود در آن زمان حتی مراسلات رسمی و مثلاً نامه‌هایی که از طرف وزارت امور خارجه به گوینو نوشته میشده است تاریخ و امضائی نداشته است و همیتمقدر در پائین نامه و یا در حاشیه و یا در بالا و گاهی در ظهر مهر می‌سکرده اند با رعایت شرایط و رسومی که در کار بوده و بر راقم این سطور مجهول است.

این سند بخصوص در روی يك ورق کاغذ معمولی و با خط معمولی نوشته شده است و با لحن نسبتاً آمرانه ای که دارد می‌توان احتمال داد که در موقعی که گوینو نماینده سیاسی فرانسه برای مرخصی بصورت ناصرالدین شاه مشرف شده بوده است این بیانات را نموده و بکنفران حضار که منشی نبوده است (چون خط منشیانه نیست) عین آن بیانات را (شاید با امر و اشاره خود ناصرالدین شاه) بروی يك ورق کاغذ همانجا نوشته و بدست گوینو داده است. ۲ در هر صورت جای آن دارد که باز بشیوه قدماء بگوئیم والله اعلم.

زنو ۱۲ بهمن ۱۳۳۹

سید محمد علی جمال زاده

۱- از اینقرار این یادداشت وقتی به گوینو داده شده است که فرخ خان امین‌الملک در شرف حرکت باستانبول بوده است. (ج. ز.)

۲- نباید خط خود ناصرالدین شاه باشد چون اولاً خط شاه شناخته می‌شود و ثانیاً اگر خط شاه بود گوینو با احتمال قوی در بالای آن نوشته بود که « بخط خود شاه است.»